

بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر آن

(مطالعه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد)

فائزه‌السادات مدرسی یزدی، * مهناز فرهمند، ** سید علیرضا افشانی***

چکیده

تجرد وضعیتی است که برخی فرصت‌های تعاملی و اجتماعی را به دلیل فقدان همسر و زندگی مشترک از انسان سلب می‌کند و می‌تواند به احساس تنهایی و انزوای اجتماعی فرد دامن زند. تحقیق حاضر، دو موضوع را پیگیری می‌کند: دختران مجرد بالای ۳۰ سال در شهر یزد از چه میزان انزوای اجتماعی رنج می‌برند، و چه عواملی این انزوا را ایجاد و تشدید می‌کند. شیوه تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل ۲۶۱۳ نفر از کل دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد هستند که ۱۳۹ نفر آنها با در نظر گرفتن همکاری نکردن جمعیت نمونه، به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، انتخاب و مطالعه شدند. نتایج حاکی از این بوده‌است که میزان متوسط انزوای اجتماعی در بین جمعیت نمونه، ۶۳/۰۹ درصد است و این مقدار نشان‌دهنده درجه انزوای نسبتاً زیاد در بین آنهاست. همچنین، از بین متغیرهای باقی‌مانده در الگوی رگرسیون، باورهای سنتی و نوع برداشت از خود در مجموع بیشترین تأثیر را بر میزان انزوای اجتماعی داشته‌اند که بیشترین تأثیر، مربوط به متغیر برداشت از خود بوده‌است. با واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل، می‌توان ۲۹/۸ درصد از واریانس میزان انزوای اجتماعی را توضیح داد.

کلیدواژه‌ها: تجرد، انزوای اجتماعی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، دختران، بالای ۳۰ سال.

faezeh.modarresi@yahoo.com

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

farahmandmh@yahoo.com

** استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه

arafshani@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۹

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۱-۱۴۴

مقدمه

یکی از مسائلی که امروزه هدف پژوهش اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مدیریت و دیگر حوزه‌های علوم انسانی است، انزوای اجتماعی است. اندیشمندان هرکدام جنبه‌های متفاوتی از انزوای اجتماعی را مطالعه کرده‌اند. لودر و همکارانش انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از دیگران تعریف کرده‌اند (مرادی و زمانی، ۱۳۹۳: ۳). اسمیت انزوای اجتماعی را واقعیتی ذهنی می‌داند که در آن فرد تعلق و انفصال کاملی با ارزش‌های مرسوم جامعه خود احساس می‌کند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۲). انزوای اجتماعی را معادل بیگانگی فرهنگی آن را به‌معنای فقدان پیوندهای اجتماعی در میان افراد (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۴) می‌داند.

به‌رحال، انزوا و گوشه‌گیری جوانان، عارضه‌ای است که متأسفانه در سال‌های اخیر شیوع یافته است. این درحالی است که بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد از هر ۱۰۰ نفر جوان، ۷ نفر به این عارضه مبتلا هستند. در این عارضه، جوانان از برقرارکردن ارتباط با افراد و محیط خارج دوری می‌کنند که در نتیجه آن، به‌تدریج با کاهش علایق ذهنی و عاطفی، از داشتن دوستان صمیمی و نزدیک محروم می‌شوند و از حضور در فعالیت‌های جمعی سر باز می‌زنند، اوقات خود را به‌تنهایی سپری می‌کنند و گوشه‌گیری از اجتماع را در پیش می‌گیرند (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۵).

به عقیده کارشناسان، انزواطلبی یکی از رفتارهای نسبتاً شایع است که جوانان را به‌شدت آزار می‌دهد و اگر درمان نشود، آنان را به‌سمت مشکلات دیگری مانند عدم اعتمادبه‌نفس، افسردگی، اضطراب و زودرنجی سوق خواهد داد. این درحالی است که فقدان احساس توان‌مندی و کمی عزت‌نفس و نیز ناتوانی در نشان‌دادن احساسات و بیان افکار و نظریات، باعث جدایی فرد از فعالیت‌های گروهی می‌شود. محققان درباره علل گوشه‌گیری و انزواطلبی معتقدند محرومیت از محبت خانواده، نقص عضو یا بیماری‌های جسمی و فیزیولوژیک، اختلال در گویش و تکلم، شکست‌های متعدد و تحقیرشدن از سوی خانواده، نبود امنیت روانی در محیط‌های خانه و خارج از خانه و فشارهای روانی مستمر، تنبیه، توبیخ و سرزنش جوان از سوی والدین و کنترل شدید تربیتی و سخت‌گیری‌های وسواس‌گونه و غیرمنطقی، از مهم‌ترین علل این عارضه است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶) عده‌ای از جامعه‌شناسان نیز معتقدند انزوای اجتماعی عامل جذب جوانان به حوزه آسیب‌های اجتماعی است. از طرفی، مسئله ازدواج و زناشویی نیز از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به‌همین دلیل، این مسئله، علاوه بر ادیان و مذاهب، در کانون توجه حوزه‌های علوم مختلف چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، فلسفه و... بوده است. این‌اهتمام به اهمیت خانواده، به‌مثابه یکی از نهادهای مهم جامعه، در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد، مثل افزایش سن ازدواج دختران، ایجاد خواهد کرد (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۴).

طولانی شدن مدت مجرد در میان دختران می‌تواند آسیب‌های روانی و اجتماعی خطرناکی به دنبال داشته باشد. کتمان نیازهای طبیعی فرد می‌تواند از نظر روانی آسیب‌رسان باشد و فرد را در مناسبات اجتماعی دچار مشکل سازد. از طرف دیگر، آسیب‌های اجتماعی این پدیده می‌تواند به مراتب بیشتر باشد؛ چراکه مجردماندن به معنای ترک روابط عاطفی نیست و احتمال ایجاد ارتباط عاطفی در خارج از چارچوب ازدواج را نیز پایین نخواهد آورد (نجفی‌مهر، ۱۳۹۲: ۳). طبق گزارش‌های روان‌شناسان، عده‌ای از مراجعان که سن آنها بالا رفته و ازدواج نکرده بودند، اظهار کردند که مدتی است که حالت‌های خاصی پیدا کرده‌اند که قبلاً دچار آن نبوده‌اند؛ حالت‌هایی همچون بی‌حالی و وارفتگی، بی‌اعتنایی به لذت‌ها و رغبت‌ها، کاهش توانایی در تمرکز و تصمیم‌گیری و تفکر، که همگی نشان افسردگی است. در غالب پژوهش‌های علمی، مشخص شده‌است که گرایش به افسردگی در دختران مجرد بیشتر است تا زنان متأهل. همچنین، دیده شده است که تأخیر در ازدواج سبب می‌شود که افراد تمایلات طبیعی خود را به تدریج نادیده بگیرند و دچار افسردگی و انزوا شوند، درحالی‌که اگر ازدواج با معیارهای صحیح و از روی علاقه صورت گیرد، می‌تواند از بروز افسردگی جلوگیری کند. در واقع، افرادی که ازدواج کرده‌اند با خطر بسیار کمتری، برای ابتلا به بیماری‌های روانی، به خصوص افسردگی، روبه‌رو هستند (ایمانی، ۱۳۷۴: ۱۴ و ۱۵). وسواس زیاد در انتخاب و بالارفتن سن ازدواج، یا فرد را به سمت «تجرد قطعی» سوق می‌دهد یا او را درگیر وسواس در انتخاب می‌کند که آن‌هم نتیجه‌ای جز مجرد دائم در پی نخواهد داشت. اتفاقی که در میان دختران رخ می‌دهد و زیاد از زبان آنها شنیده می‌شود این است که تصورات منفی شخص درباره بالارفتن سن خودش، باعث آرمان‌گرایی افراطی‌ای می‌شود که معمولاً فرد کمتر کسی را مناسب همسری خواهد یافت. افزایش نگرانی و احساس ناراحتی، وقتی که دختران به سن ازدواج می‌رسند، به‌صورتی است که دائم از آنها سؤال می‌شود که چرا ازدواج نمی‌کنند. این برای دختران بسیار ناراحت‌کننده است و موجبات رنجش و نگرانی از آینده را برای آنان فراهم می‌آورد. عده‌ای، مخصوصاً آنها که به شکل اجباری در ورطه مجرد افتاده‌اند - که البته در این مورد تعداد دختران بیش از پسران است - خود را بلا تکلیف می‌بینند، نمی‌توانند هدف درستی برای خود برگزینند و راه روشنی پیدا کنند، و همه چیز را به ازدواج و بعد از آن موکول می‌کنند. آنها با این تفکر که همیشه نمی‌شود خانه پدری زندگی کرد، نمی‌توانند برای آینده خود برنامه روشنی پیش‌بینی کنند. وقتی سن فرزندان مجرد خانواده بالاتر می‌رود، احتمال انحراف آنها بیشتر می‌شود. البته، این سخن بدان معنا نیست که هر فرد مجرد یا مسن در گروه منحرفان قرار داد. نیاز جسمی و عاطفی، چیزی است که نمی‌توان به‌سادگی از آن چشم پوشید و جز در زندگی زناشویی بدلی را برای آن فراهم

آورد، کما اینکه فقط یک راه درست و اساسی برای این مسائل وجود دارد و آن ازدواج است. احساس سربار بودن، به‌ویژه در میان دختران، دیده می‌شود.

دختران، خاصه در فرهنگ ایرانی، به راحتی امکان زندگی تنها و مستقل را ندارند، در عین حال، زمانی که سن ایشان از حد ازدواج بالاتر می‌رود، با هر صحبتی دچار رنجش و ناراحتی می‌شوند. کم‌حوصلگی، انعطاف‌ناپذیری و پرخاشگری -طبق فرضیه ناکامی پرخاشگری جان دالر، ناشی از ناکامی‌ها است- از مشکلاتی است که ازدواج در سن بالا و مجرد قطعی به همراه خواهد داشت (ایمانی، ۱۳۷۴: ۳). همچنین، کارشناسان معتقدند ممکن است زنان و دختران جوانی که غالباً دیر ازدواج می‌کنند، به سمت خودنمایی (بدپوششی)، رفتارهای پرخطر جنسی و حتی خودکشی کشیده شوند. مشکلات اجتماعی‌ای که گریبان‌گیر دختران می‌شود هم جای تأمل دارد، مشکلاتی اعم از نگاه اجتماع و عرف، به‌خصوص در جامعه دین‌مدار و سنتی ایرانی، مشکلات اقتصادی و

افراد در فرهنگ غربی به راحتی زندگی می‌کنند، اما اگر همچون بیماری به مسئله نگریسته شود، «تجرد» تفاوتی در کشورهای مختلف ندارد. برای مثال اسکیزوفرنی در هر جای دنیا بیماری به‌شمار می‌آید. دخترانی که خواستگار ندارند، به افسردگی دچار می‌شوند و حتی ممکن است کسانی هم که تصمیم می‌گیرند مجرد باقی بمانند، اضطراب و مشکلات روان‌شناختی داشته باشند. می‌توان آسیب‌هایی را که بیشتر گریبان‌گیران مجردها را می‌گیرد، دسته‌بندی کرد. مجردهای قطعی و اجباری، هم خودشان دچار برخی آسیب‌ها می‌شوند، و هم جامعه را به برخی آسیب‌ها دچار می‌کنند، اما این‌روزها کمتر از کلمه «آسیب» استفاده می‌شود و این مسائل را بیشتر «مشکلات اجتماعی» می‌نامند. یک زن تنها، بالقوه آسیب اجتماعی نیست و منبع آسیب‌زا به‌شمار نمی‌آید، اما می‌تواند منبع «مشکل اجتماعی» باشد (ایمانی، ۱۳۷۴: ۱). در واقع، مجرد می‌تواند طی فرایندی روانی-اجتماعی، به انزوای شخص از جامعه و ابتلای او به انواع بیماری‌های روحی منجر شود. از میان سازوکارهایی که مجرد را به انزوا مربوط می‌کند؛ می‌توان به تصور خانواده و خویشاوندان، تصورات عرفی جامعه، خاستگاه اجتماعی- طبقاتی فرد در جامعه، تصور فرد از اهمیت ازدواج و تصور فرد از خود اشاره کرد که هر یک به‌گونه‌ای فرد را به کناره‌گیری از جامعه می‌کشاند و این‌متغیرها را می‌توان در ابعاد مختلف خود بررسی کرد. بنابراین، مسئله بسیار مهم این‌پژوهش، این است که مشخص شود کدام عوامل فرهنگی- اجتماعی، چگونه، با چه شدت‌تأثیر و در چه جهتی قادرند انزوای اجتماعی دختران مجرد را در شهری سنتی، مثل یزد، رقم بزنند.

چارچوب نظری تحقیق

از دیدگاه جامعه‌شناسی، روابط اجتماعی، در شکل تماس‌های اجتماعی، عنصر سازنده همبستگی و پایداری اجتماعی در میان مردم تلقی می‌شود (هورتولاتوس و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۶) به عبارت دیگر، روابط اجتماعی برابر رفاه اجتماعی و شخصی حائز اهمیت است و نقشی کلیدی در پرداختن به مسائل دارد؛ مردم در شبکه اجتماعی می‌توانند به سهولت با فردی ارتباط برقرار سازند که دارای وضعیتی بغرنج است و این بدون چالش‌پذیر ساختن مسئله انجام می‌شود (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۲۷). به اعتقاد پلرمن و پپلاو، انزوای اجتماعی اغلب به ویژگی‌های شخصیتی مشخصی مرتبط است که شیوه برقراری ارتباط فرد با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل مشخصی فرد را به سوی تنهاشدن یا به لحاظ اجتماعی منزوی شدن سوق می‌دهند؛ خجالتی‌بودن، درون‌گرا بودن، فقدان مهارت‌های اجتماعی، و فقدان علاقه به خطر اجتماعی از این دست‌اند. ساختن و حفظ روابط اجتماعی نیازمند توانایی‌های خاصی مانند اعتماد به نفس، احترام به خویشتن، اجتماعی‌بودن، وابستگی و احساس کنترل فردی از این دست است. برخی از نویسندگان تأکید دارند که تجارب زندگی اولیه درون خانواده تعیین‌کننده سطح اعتماد است و گسترش کنش متقابل برای برقراری ارتباط با دیگران ضروری است. نوع نگرش به غریبه‌ها، معیار ارزیابی و نگرش درباب همکاری و احساس اعتماد در حین فرایند اجتماعی شدن ظاهر می‌شود و برای شکل گرفتن نگرش فرد به دیگران در زندگی بزرگ‌سالی ضروری است.

مطالعات دیگر انزوای اجتماعی را با محیط زندگی فرد مرتبط می‌دانند. فرض این است که فضای محیطی می‌تواند ارتباط اجتماعی را حمایت کند و محرک آن باشد یا فرد را از آن بازدارد. برای مثال، دورکیم، در بحث از امور مقدس و نامقدس، توضیح می‌دهد که ما امروزه بر آنچه تجربه‌کردن شناختنی‌های مقدس خود می‌نامیم، درکنار هم زندگی و حالت‌های ارتباطی خاصی را تجربه می‌کنیم. به این ترتیب، اعتقادات و عرف و سنت در جامعه، مجموعه‌ای از معیارها و عقاید را به وجود می‌آورند که هرچیز مقدس و نامقدسی را از یکدیگر باز می‌شناسد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اگر شخص در محیطی زندگی کند که در آن محیط، ازدواج به موقع ارزشی مقدس تلقی می‌شود، در صورت تأخیر در ازدواج، فرد با سرزنش‌ها و محرومیت‌های اجتماعی مواجه خواهد شد که او را به سمت کناره‌گیری از اجتماع و انزوای اجتماعی سوق خواهد داد. روان‌شناسان اجتماعی نیز ارتباط منظمی میان مهارت‌های اجتماعی و الگوهای دلبستگی نشان می‌دهند؛ در این معنا که دلبستگی موفق‌تر می‌تواند بر رابطه با دیگران تأثیر مثبت بگذارد (هورتولاتوس و ماشیلز، ۲۰۰۳). براساس نظر لاینرمن، جنس مؤنث بالای ۳۰ سال، از محیط روانی و اجتماعی، اثرپذیری عمیقی خواهد داشت (اسپیرا و ریچاردز، ۲۰۰۳: ۱۲). همچنین، گیلیگان بیان می‌کند که امکان دارد زنان

بیش از مردان در مقابل انزوا آسیب‌پذیر باشند؛ زیرا دختران شیوه‌ای از تفکر درباره جهان را در خود بسط و گسترش می‌دهند که به رابطه‌داشتن با دیگران مربوط است؛ بنابراین، زنان احساس می‌کنند انزوا نوعی شکست است. درمقابل، مردان برای استقلال ارزش قائل‌اند و اعتقاد دارند که نیاز به دیگری برای کاهش انزوا، صفتی زنانه است؛ بنابراین، ممکن است درمقایسه با زنان مجرد، مردان مجرد با مسائل و دغدغه‌های کمتری مواجه باشند (اسپیرا و ریچاردز، ۲۰۰۳).

جدول ۱. جدول نظریات تحقیق و کاربردهای آن

نظریه	مورد بحث	کاربرد
نظریه پلر من و پپلاو	رابطه انزوای اجتماعی و برداشت از خود	بررسی فرضیه نخست
نظریه امر مقدس دورکیم، نظریات الگوهای دلبستگی در روان‌شناسی اجتماعی	تأثیر عرف و سنت بر میزان انزوای اجتماعی	بررسی فرضیات دوم و سوم
نظریه گالیگان و لاینرمن	تأثیر میزان اهمیت ازدواج برای زنان و دختران بر میزان انزوای اجتماعی آنان	بررسی فرضیه چهارم

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

در این پژوهش، برای سنجش هریک از متغیرهای اصلی تحقیق، با توجه به حوزه مفهومی هر متغیر، گویه‌هایی برای اظهارنظر طراحی شده‌است. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق، به شرح ذیل است:

برداشت از خود

تعریف نظری: از دیدگاه روزنبرگ، برداشت از خود، همان «هویت فرد» است که عبارت است از، جامعیت اندیشه‌ها و احساساتی که فرد از خودش به مثابه یک شخصیت شناخته شده دارد. (جوشنلو و قائدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

تعریف عملیاتی: جهت سنجش متغیر برداشت از خود، از مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ استفاده شده و نیز سؤالاتی مربوط به رضایت از شکل ظاهری و موقعیت خانوادگی به این مقیاس، به صورت محقق ساخته، اضافه شده است:

- به‌طورکلی، از خودم راضی هستم؛
- احساس می‌کنم که آدم خوبی نیستم؛
- روی‌هم‌رفته، احساس می‌کنم فردی شکست‌خورده هستم؛
- لحاظ خانوادگی موقعیت خوبی دارم؛
- همیشه آرزو داشتم جایگاه خانوادگی بهتری داشتم؛
- نزدیکان و اطرافیانم به من افتخار می‌کنند؛
- از شکل ظاهری خودم راضی هستم؛

- کاش می‌توانستم احترام بیشتری برای خودم قائل باشم؛
- شخص ارزشمندی هستم، حداقل هم‌سطح دیگران هستم؛
- احساس می‌کنم چیز زیادی ندارم تا به آن افتخار کنم؛
- قادرم به خوبی اکثر مردم از عهده کارها برآیم؛
- احساس می‌کنم دارای تعدادی خصلت خوب هستم؛
- بعضی اوقات واقعاً احساس می‌کنم که به‌دردنخور هستم؛

عرف و سنت

تعریف نظری: مفهوم «عرف»، در جامعه‌شناسی، یکی از مفاهیم بنیادینی است که به‌صورت قواعد هنجاری عمل می‌کند و به تنظیم رفتار اجتماعی افراد منجر می‌شود. در صورت تخلف از آن، فرد به نوعی هنجارشکن و در قالب «منحرف اجتماعی» از جامعه طرد می‌شود. همچنین، یکی از منابع اصلی‌ای که حقوق‌دانان به‌مثابه منابع حقوقی نام برده‌اند، «قاعده عرف» است. منابع حقوقی دیگری، همانند «قانون» و «رویه قضایی» در کنار قواعد عرفی وجود دارد. در محاکم قضایی، گاهی به قاعده عرف استناد می‌شود و فرد یا افرادی را به جرم یا کج‌روی منسوب می‌کنند، درحالی‌که جرم نوعی قانون‌شکنی محسوب می‌شود، ولی کج‌روی تخلف از هنجارهای اجتماعی به حساب می‌آید (ثلاثی، ۱۳۷۴: ۳۹).

سنت، در متون جامعه‌شناختی، به شکل‌های گوناگون به کار برده شده‌است؛ برای نمونه چند مورد را ذکر خواهیم کرد:

منظور ماکس وبر از سنت، احساسات و باورهایی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ از این‌رو، راهنمای جوامع سنتی گذشته آنهاست. اعضای این جوامع، «درست» یا «معقول» بودن اعمال و رفتارشان را بر اساس طولانی‌بودن زمانی ارزیابی می‌کنند که آن اعمال مقبول جامعه بوده‌است. در صورتی که جوامع اعمال خود را بر اساس عقل ارزیابی می‌کنند. سنت از دیدگاه وبر، فقط به باورهایی اشاره می‌کند که از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است؛ در صورتی که در دیدگاه گیدنز، سنت دارای چهار ویژگی مهم است: اول، درگیر رسوم است؛ دوم، سنت جمعی است؛ سوم، سنت می‌تواند برای مردم، همانند کاهنی باشد که مسائل رمزآلود را توضیح می‌دهد؛ چهارم، سنت، با هویت افراد، درگیر است. می‌توان گفت در نظر وبر قابل انتقال بودن از نسلی به نسل دیگر، به جمعی بودن اشاره می‌کند. در نظر گیدنز، بعضی سنت‌ها تاریخ خیلی طولانی‌ای ندارند؛ در صورتی که وبر به مدت زمان طولانی اشاره می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۶۹).

¹ Max Weber

تعریف عملیاتی: در این پژوهش، عرف (شامل تصورات جامعه درباب مجرد طولانی مدت دختران به مثابه عامل فشار خارجی بر فرد) و سنت (شامل سنت و رسوم خانوادگی و تصورات رایج در هر خانواده و شبکه خویشاوندی درباب مجرد طولانی مدت دختران به منزله عامل فشار داخلی بر فرد)، در قالب دو فرضیه مجزا و در دو بخش تصورات خانواده و خویشاوندان، و تصورات و باورهای رایج در جامعه، در قالب سؤالات محقق ساخته سنجیده شده است؛ بدین صورت که سه گویه مربوط به تصور خانواده و خویشاوندان از مجرد طولانی مدت دختران و پنج گویه مربوط به تصورات و باورهای رایج در جامعه آورده شده است. ابعاد باورهای رایج در جامعه عبارت بوده اند از: باور کلی و رفتارهای عملی و مراوده‌ای با دختر مجرد که دو گویه، مربوط به باور کلی در شهر یزد درباب دختران مجرد بالای ۳۰ سال و سه گویه دیگر، مربوط به رفتارهای عملی و مراوده‌ای با دختران مجرد بالای ۳۰ سال است:

۱. تصور خانواده و خویشاوندان از مجرد طولانی مدت دختر:
 - خانواده مرتب بر من فشار وارد می کند که هر چه زودتر باید ازدواج کنی.
 - حس می کنم، به عنوان یک دختر مجرد، خانواده ام بیش از حد مراقب رفت و آمدهای من هستند.
 - اطرافیان و خویشاوندان نگاهی منفی به مجرد من دارند.
۲. گویه‌های مربوط به تصور اطرافیان و خویشاوندان از مجرد طولانی مدت دختر:
 - در هر جمعی که می روم با استقبال گرم حضار در آنجا مواجه می شوم.
 - فکر می کنم شهر یزد محیط پرتنش و نامناسبی برای دختران مجرد است.
 - هرچه سن دختر مجرد در یزد بالاتر رود، از دید مردم، کمتر باید با او مراوده داشت.
 - تنها چیزی که گه گاه من را آزار می دهد دید بسته و غیرقابل انعطاف مردم یزد به مجردماندن من است.
 - به مثابه یک دختر مجرد، احساس می کنم زنان متأهل یزدی رابطه شان را روزبه روز با من محدودتر می کنند.

اهمیت ازدواج

تعریف عملیاتی

- برای بررسی مسئله اهمیت ازدواج از چهار گویه استفاده شده است.
- امتیاز دوران مجردی، استقلال است. اما، اگر متأهل باشم چیز دیگری است.
 - اگر شرایط فراهم شود حتماً ازدواج خواهم کرد.
 - اصلاً دوست ندارم روزی متأهل باشم، با ازدواج مشکلات آدم دوچندان می شود.
 - مجرد یا متأهل بودن مهم نیست.

انزوای اجتماعی

تعریف نظری: انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیررسمی و رسمی در جامعه محروم می‌کند؛ مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ از تبادل پایدار و دائمی با افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند؛ موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و روابط گفتمانی می‌شود؛ از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند؛ فرصت‌های مناسب را برای باهم زندگی کردن، باهم کار کردن، باهم تجربه کردن و باهم بودن سلب می‌کند؛ و روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیرممکن می‌سازد. موارد یادشده می‌توانند پیامدهای مختلفی از جمله احساس تنهایی، احساس عجز، یأس اجتماعی و کاهش تحمل را به دنبال داشته باشند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۱۰).

تعریف عملیاتی: طبق نظریات چلبی، سنجش متغیر انزوای اجتماعی، با سنجش تک‌تک ابعاد آن آغاز شده است که عبارت بوده‌اند از: یأس اجتماعی، احساس عجز، تحمل اجتماعی پایین، و احساس تنهایی؛ بدین‌صورت که یک گویه به بعد تنهایی، یک گویه به بعد یأس، یک گویه مربوط به بعد تحمل و سرانجام نه گویه مربوط به بعد عجز اختصاص یافته است.

گویه‌های بعد تنهایی اجتماعی:

- من به مصاحبت و همراهی نیاز دارم.
- افرادی هستند که می‌توانم با آنها صحبت کنم.
- کسی را ندارم که با او صحبت کنم.
- قادر نیستم تنهایی را خیلی تحمل کنم.
- کاملاً احساس تنهایی می‌کنم.
- بیشتر وقت‌ها دوست دارم تنها باشم.

گویه‌های بعد عجز:

- می‌توانم به دوستانم اتکا کنم.
- قادر نیستم با کسانی که در بیرون هستند ارتباط برقرار کنم.
- روابط اجتماعی من مصنوعی است.
- می‌توانم به دوستانم اتکا کنم.

گویه‌های بعد یأس اجتماعی:

- به جمعی که تعلق دارم اطمینان چندانی ندارم.
- چون به دیگران اطمینان ندارم، تنهایی را بیشتر دوست دارم.

- احساس می‌کنم با اعضای خانواده‌ام نزدیک و صمیمی نیستم.
- خواهان دلبستگی به دیگران هستم.
- خانواده‌ام صمیمانه به من عشق می‌ورزند.

گویه‌های بعد کاهش تحمل اجتماعی:

- دوستانم به من احترام می‌گذارند.
- خیلی محبوب هستم.
- رابطه من و دوستانم بسیار مهم است.
- مردم مرا تحسین و ستایش می‌کنند.

فرضیات پژوهش

- (۱) بین نوع برداشت از خود در دختران مجرد شهر یزد و انزوای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- (۲) بین باورهای سنتی خانواده و خویشاوندان دختران مجرد شهر یزد به مجرد آنان و انزوای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- (۳) بین باورهای عرفی رایج در شهر یزد در باب مجرد دختران و انزوای اجتماعی دختران مجرد رابطه وجود دارد.
- (۴) بین میزان اهمیت ازدواج در نزد دختران مجرد شهر یزد و انزوای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش بررسی و گردآوری داده‌ها

این پژوهش میدانی، پیمایشی و از نوع کاربردی و مقطعی است. به لحاظ وسعت پهنانگر و به لحاظ جامعه آماری شامل کلیه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد است که تعداد آنها براساس برآوردهای آماری سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر ۲۶۱۳ نفر بوده‌است. در مرحله تعیین حجم نمونه، با توجه به اینکه تحقیق حاضر به لحاظ دارابودن بار ارزشی زیاد و عدم همکاری یا عدم دسترسی به تمامی جمعیت نمونه، امکان استفاده از شیوه تعیین کمی حجم نهایی نمونه را از محقق سلب کرده‌است پس از محاسبه حجم واقعی نمونه با فرمول کوکران، نهایتاً جهت تعیین حجم نمونه، از میان حجم نمونه کوکران، از شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده‌است؛ به این ترتیب که حجم نمونه، طبق فرمول کوکران، تقریباً ۳۳۵ نفر برآورد شد. ابتدا، با مراجعه به ۱۵ نفر اول، از آنها درخواست شد تا ضمن پاسخگویی به سؤالات پرسش‌نامه تنظیم‌شده، افراد واجد شرایط نمونه‌گیری را به ما معرفی کنند و همین‌طور از افراد معرفی‌شده هم همین درخواست انجام گرفت تا سرانجام، ۱۳۹ پرسش‌نامه برای تحلیل نهایی آماده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده‌است. برای سنجش متغیرها از اعتبار محتوایی استفاده

بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن

شده است. بدین منظور، گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجد، با استفاده از گویه‌های تحقیقات پیشین، زیر نظر متخصصان، محققان و استادان مجرب تدوین شده است. برای تعیین پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرون‌باخ استفاده شد و نتایج محاسبه این شاخص در زمینه تمامی سنجه‌های به کاررفته نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورد شده است.

جدول ۱. آلفای کرون باخ متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرون‌باخ سنجه مربوط
انزوای اجتماعی	۰/۷۲
پرداخت از خود	۰/۸۴
عرف	۰/۸۱
سنت	۰/۸۲
میزان اهمیت ازدواج	۰/۷۳

پیشینه پژوهش

با مراجعه به سوابق مطالعات جامعه‌شناختی داخلی و خارجی، مشخص خواهد شد که درباب رابطه مجرد و انزوای اجتماعی جوانان، مطالعه مشخص و منسجمی، به قلم محققان ایرانی یا خارجی ارائه نشده است، اما پیرامون هر دو موضوع بررسی جامعه‌شناختی مجرد، انزوای اجتماعی و ویژگی‌ها و آثار آن، محققان ایرانی و خارجی به زبان‌های فارسی و لاتین تحقیقات وسیع و گاه پراکنده‌ای در دو سطح فردی و اجتماعی صورت داده‌اند:

معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد» را به روش کیفی تدوین کرده‌اند. سؤال اصلی مطالعه آن بوده که آیا بازتعریف هویت جنسیتی در میان دختران شاغل تحصیل کرده موجب ترجیح مجرد به ازدواج شده است؟ روش این مطالعه کیفی از سنخ روش پدیدارشناختی است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری شد. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی است و افراد نمونه تحقیق چهل نفر از دختران هرگز ازدواج‌نکرده ۳۰ تا ۴۹ ساله شاغل ساکن شهر اصفهان هستند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترجیح مجرد به ازدواج در دهه‌های اخیر، از یک سو، تحت تأثیر وضعیت کلان اجتماعی و از سوی دیگر، بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است. دختران شاغل در جریان بازاندیشی نقش‌های کلیشه‌ای سنتی و بازتعریف هویت جنسیتی، تصویر جدیدی از خود در ذهن دارند. این تصویر جدید انتظارات آنان را از زندگی متحول ساخته است. هرچند انتخاب مجرد دختران را با مشکلات بسیاری مواجه کرده است، آنان با مقاومت در برابر فشارهای ساختاری، زندگی خود را آن گونه که می‌خواهند سامان می‌دهند. درحقیقت، انتخاب مجرد به معنای حفظ تمام امکاناتی است که مجردها با تلاش و کوشش از طریق تحصیل و اشتغال برای خود فراهم کرده‌اند.

فرضی زاده (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «طرد اجتماعی دختران مجرد»، وضعیت کنونی دختران مجرد روستای کوچه‌پشت و نواحی کوهستانی گنگله‌هوا و دوران را در شهرستان رضوانشهر و به‌روش کیفی و با استفاده از مصاحبه نیمه‌باز و مشاهده مشارکتی بررسی کرده‌است. براساس نتایج این پژوهش، نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم دیگران، گسترش شایعات، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، انتظار، رنج، بیماری جسمی، افسردگی، و نگرانی درباره آینده، برخی مسائل این دختران است. انزوا، ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خانواده و خویشاوندان حضور نیافتن در اجتماع به‌منظور شرکت در مراسم، عدم اشتغال و فقدان مهارت گذران اوقات فراغت از پیامدهای وضعیت پیش‌گفته است.

مرادی و زمانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش هراس اجتماعی در انزوای اجتماعی زنان روستایی روستاهای دالاهو»، با استفاده از روش پیمایش، و تعداد ۴۰۰ نفر از جامعه آماری را به‌شیوه تصادفی طبقه‌ای با استفاده از جدول لین برای مطالعه انتخاب کردند. از اعتبار صوری و سازه برای روایی و آلفای کرون‌باخ برای پایایی ابزار پژوهش استفاده شد و از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس برای آزمون فرضیات و روش رگرسیون برای سنجش الگوی پژوهش استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش، رابطه بین متغیرهایی چون سن $r = 0.25$ ، میزان تحصیلات $r = -0.41$ و میزان درآمد $r = -0.081$ است. مقدار بتا برای هراس اجتماعی برابر ۰/۴۷، مبین این است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در میزان هراس اجتماعی، متغیر وابسته انزوای اجتماعی برابر ۰/۴۷ تغییر می‌کند. مقدار مجذور آر ضریب همبستگی نشان می‌دهد این متغیر به‌تنهایی توانسته است ۰/۴۲ از واریانس متغیر وابسته (انزوای اجتماعی) را تبیین کند.

$r = 0.42$ = مجذور ضریب همبستگی و میانگین نمره هراس اجتماعی افراد در بعد ترس اجتماعی برابر ۱۹/۴۳، در بعد اجتناب اجتماعی برابر ۲۳/۱۵، و در بعد ناراحتی فیزیولوژیک برابر ۱۶/۱۲ است. میانگین‌های هر بعد با هم متفاوت است و این تفاوت، براساس آزمون اف با مقدار ۴/۵۲۸ و در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ تأیید شده‌است.

ایزدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تجرد قطعی و احساس تنهایی»، به‌روش کیفی، به بررسی تجربه زندگی اجتماعی زنانی می‌پردازد که گاه خواسته، گاه ناخواسته، به زندگی‌های مجردی تن داده‌اند. از آنجاکه نگارنده در پی دستیابی به پهنای گسترده‌تری از تجربه زیسته بوده و با توجه به سن شروع یائسگی و علاقه‌مندی به بررسی تفاوت‌های میان دوران قبل و بعد از یائسگی، زنان ۳۵ تا ۴۷ سال را در یک گروه گنجانده و بالای ۴۷ سال را در گروه دیگری قرار داده‌است. نتایج نشان می‌دهد این زنان از احساسات دوگانه‌ای درباب تجرد برخوردارند. در نگاه نخست، آنها از آزادی و استقلال که در تجرد داشته‌اند احساس رضایت و خرسندی دارند، ولی

به دلیل تنهایی و نداشتن همدم و مونس در کنارشان، از وضعیت خود گلایه دارند و این سبک زندگی را به دیگران توصیه نکرده‌اند. در واقع، در میان این گروه از زنان احساس محرومیت ناشی از نداشتن همسر و همدم به‌وضوح دیده شده و با اینکه درمیان تعدادی از آنان روابط گذرا با مردان دیده شده و آنها بخشی از نیاز خود را با این ارتباطات ارضا می‌کردند، به دلیل موقتی بودن، از آن احساس رضایت نداشته‌اند.

یعقوبی دوست (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان نوجوان» انجام داده‌است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین میزان دین‌داری والدین با خشونت خانگی آنها در برابر فرزندان در شهر اهواز صورت گرفته است. روش پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر اهواز و والدین آنها تشکیل داده‌اند و جمعیت نمونه نیز ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که کل ابعاد انزوای اجتماعی با خشونت خانگی رابطه دارد و بین ابعاد روابط و معاشرت با خویشاوندان، روابط و معاشرت با همسایگان و همچنین بین بعد روابط و معاشرت با دوستان با خشونت خانگی والدین در قبال فرزندان همبستگی معناداری وجود دارد.

حقیقتیان (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر اصفهان)» که به روش پیمایشی انجام گرفته‌است، برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان شهر اصفهان را بررسی کرده‌است. جامعه آماری تحقیق شامل همه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان است که از بین آنها ۳۸۵ نفر نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داد که متغیرهای جنسیت، اعتماد اجتماعی و استفاده از اینترنت با انزوای اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار دارد، ولی رابطه پایگاه اجتماعی- اقتصادی با انزوای اجتماعی متعادل نبوده است.

مجدالدین (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، که به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه انجام گرفته است، خلاصه یافته‌های خود را بدین شرح اعلام کرده‌است: متغیر مهاجرت، علاوه بر تحصیلات، با هزینه‌های اقتصادی نیز مرتبط است و پسران، بعد از مهاجرت، توانایی مالی بیشتری به‌دست می‌آورند که دایره همسرگزینی آنها را وسیع‌تر می‌سازد و این باعث بالارفتن سن ازدواج در روستا می‌شود. با بالارفتن سن ازدواج دختران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. مشکلات فرهنگی نیز در بالاتر رفتن سن ازدواج جوانان مؤثر بوده‌است.

محسنی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران)»، با استفاده از روش

پیمایشی، پیامدهای استفاده از اینترنت را در کافی‌نت‌های تهران بررسی کرده است. ۲۰۴ نفر از کاربران کافی‌نت‌ها طی یک نمونه‌گیری سهمیه‌ای- عمدی پرسش‌نامه‌های پژوهش را تکمیل کرده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده میان زمان استفاده از اینترنت در طول شبانه‌روز و انزوای اجتماعی رابطه معنادار و معکوس نشان می‌دهند. همچنین، استفاده اجتماعی از اینترنت موجب کاهش انزوای اجتماعی می‌شود.

نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۵)، در تحقیقی باعنوان «علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان»، به عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج جوانان پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان و نمونه آماری ۱۲۰ نفر بوده است. گروه نمونه، به‌روش نمونه در دسترس انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون خی‌دو استفاده شده است. نتایج نشان داده است که فرصت‌های ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج، نسبت به پسران، بیشتر فراهم است و دختران مهم‌ترین دلایل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد محبوب و ادامه تحصیل بیان کرده‌اند. پسران مشکلات اقتصادی و بیکاری را دلیل ازدواج نکردن دانسته‌اند و میزان امید برای ازدواج در آینده برای پسران نسبت به دختران بیشتر است. همچنین، دختران و پسران کاهش انتظارات والدین را راه‌حل معضل ازدواج جوانان می‌دانند. در اولویت دوم، پسران و دختران رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری را راه‌حل ازدواج مطرح کرده‌اند.

چلیبی و امیرکافی (۱۳۸۳)، در تحقیقی باعنوان «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی»، با استفاده از روش پیمایشی، تأثیر انزوای اجتماعی را بر سطوح مختلف فردی و جمعی زندگی افراد جامعه سنجیده‌اند. طی این پژوهش با ۷۳۴ نفر از شهروندان تهران و کرمان بین سنین ۲۰ تا ۷۰ مصاحبه شده است. حجم نمونه برای دو شهر مذکور ۵۳۰ و ۲۰۴ نفر بوده است. برای تحلیل داده‌ها از الگوی‌سازی خطی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه و ثبات ساکنان در سطح ساختی و اعتماد، امنیت و تعدد گروه‌ها و هویت‌ها در سطح فردی آثار مؤثر و معنی‌داری بر روابط اجتماعی دارند. همچنین، سطح روابط اجتماعی تأثیر کاهنده‌ای بر تنهایی و احساس عجز نشان می‌دهد.

ابراهیمی مقدمیان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان در شهر همدان»، عوامل اجتماعی- فرهنگی اثرگذار بر انزوای اجتماعی جوانان شهر همدان را بررسی کرده‌اند و به این مسئله پرداخته‌اند که چرا قشر جوان امروز به‌نوعی حالت جامعه‌گریزی و انزوای اجتماعی دچار شده و درحالت منفعل و پذیرا باقی مانده است. روش پژوهش پیمایشی بوده است. نمونه آماری متشکل از ۲۲۰ پسر در رده سنی ۱۷ تا ۲۵ سال و کل جامعه آماری ۳۶۳۱۲ جوان ۱۷ تا ۲۵ ساله شهر همدان بوده‌اند. نتایج

نشان داده‌است که بین متغیرهای دموگرافیک (سن، تحصیلات، شغل و وضعیت تأهل) و انزوای اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین، بین متغیرهای مستقلی چون تصور از آینده، تنش فرهنگی ناشی از وسائل ارتباط جمعی، آرمان‌گرایی و مشارکت اجتماعی جوانان در امور روزمره و انزوای اجتماعی (متغیر وابسته) همبستگی معناداری وجود دارد.

فارم (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان «تجرد، تمایلات جنسی و رؤیای ازدواج»، به‌صورت میدانی و به‌روش کیفی بر تجربیات زنان سیاه‌پوست جوان و حرفه‌ای متمرکز است که متخصص محسوب می‌شوند؛ زیرا دارای تحصیلات عالی هستند و در محیطی کار می‌کنند که در آن افراد دیگر را مدیریت می‌کنند و چشم‌اندازهای شغلی معینی دارند. زنانی برای این مطالعه در نظر گرفته شده‌اند که شاغل و عضو یک کلیسا هستند دیپلم کامل یا دیپلم سه‌ساله دارند. گروه ۶۰ نفری زنانی که با آنها مصاحبه شده، همه بین ۲۵ تا ۳۸ سال دارند و کمتر از ۳۰ درصد آنان متأهل هستند. ضمناً، این تحقیق، به‌گونه‌ای تلویحی، به نقش دین مسیحیت و آموزه‌های آن برای اعتباربخشی به تجرد پرداخته و ضمناً درباره تأثیر این آموزه‌ها بر بی‌روح‌ترکردن برگزاری مراسم عروسی با مخارج بسیار پایین شرح می‌دهد و می‌گوید که چگونه کلیساها، تنهایی و تجرد را به‌منزله امری مقبول حتی به دولت‌ها نیز قبولانده‌اند و این نشان می‌دهد که روابط پیچیده بین ازدواج، تمایلات جنسی، اقتصاد، و فرهنگ در زندگی جوانان و نوجوانان آن منطقه وجود دارد.

گائتانو (۲۰۰۹)، در تحقیقی با عنوان «زنان مجرد حومه چین و بحران عدم ازدواج، انتقال و دگرگونی جنسیتی» دغدغه‌های اصلی ازدواج زنان مجرد حومه‌نشین کشور چین را بررسی کرده‌است. این مطالعه به‌روش مصاحبه باز و با انتخاب نمونه‌های داوطلب از بین زنان حومه‌نشین چینی انجام گرفته‌است. جمعیت نمونه همگی زنانی با گرایش به جنس مخالف بودند. آنها بین ۲۵ تا ۳۸ سال داشتند. اکثر آنها بیش از ۳۰ سال داشتند. محقق نتیجه گرفته‌است که در کل جنسیت بر انتخاب‌ها و تصمیمات ازدواج این زنان تأثیر می‌گذارد.

واندروورت (۲۰۰۰)، در پژوهشی باعنوان «انزوای اجتماعی و جنسیت»، به‌روش پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه، رابطه بین جنسیت و میزان انزوای اجتماعی را در جمعیت نمونه ۲۵۰ نفری از دانشجویان شهر سانفرانسیسکو و دانشگاه هاوایی بررسی کرده‌است. مطالعات نشان داده‌است که شاخص‌های رفتارگرایی برای سنجش انزوای اجتماعی، بسیار مناسب‌تر از معیارهای ذهنی و سنتی هستند که امروزه اغلب محققان به کار می‌گیرند. این مطالعه نشان می‌دهد که مردان مجرد بیش از زنان مجرد، به انزوای اجتماعی دچار می‌شوند؛ چراکه مردان

¹ Social Isolation & Gender

نیازهای عاطفی خود را اغلب در ارتباط با شرکای جنسی‌شان تأمین می‌کنند، ولی زنان این نیاز را در ارتباط با شبکه اجتماعی دوستان و آشنایان خود تأمین می‌کنند.

تحقیقات داخلی و خارجی، به لحاظ نقطه تمرکز و حساسیت و نیز به لحاظ نتیجه‌گیری و تفسیر نتایج به‌کلی با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. در تحقیقات خارجی، به دلیل تناسب این پژوهش‌ها با فرهنگ بومی هر کشوری، نتایج منعکس شده قدری متفاوت تفسیر شده‌اند؛ مثلاً واندررووت، در تحقیقی که درباره ارتباط جنسیت با انزوای اجتماعی انجام داده‌است، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که چون زنان، بیشتر می‌توانند با اطرافیان خود ارتباطات اجتماعی برقرار کنند، گروه دوستان و آشنایان برایشان کفایت لازم را داراست. در عوض، مردان، به دلیل کم‌بودن استعداد کلامی و ارتباطی‌شان، در صورت مجردماندن، کمبود و انزوای بیشتری را تجربه خواهند کرد، اما گائتانو در تحقیقی که در کشور چین درباره دغدغه‌های دختران و زنان مجرد حومه‌نشین چین در آسیای شرقی انجام داده این نتایج را با احتیاط بیشتری به‌دست آورده‌است؛ بدین‌معنی که برطبق پراکندگی مکانی زنان و دختران در حومه شانگهای، ایده و افکار آنان، درباره ازدواج تفاوت می‌پذیرد؛ به‌طوری‌که در برخی مناطق دیرشدن ازدواج برایشان دغدغه بزرگی است؛ در صورتی‌که در برخی مناطق دیگر عوامل متفاوتی به لحاظ فرهنگی-اجتماعی و فردی می‌تواند زنان و دختران را به ازدواج دیرهنگام یا حتی عدم ازدواج متمایل سازد. محقق نتیجه گرفته‌است که یک‌دسته از عوامل در گرایش به ازدواج دیرهنگام یا عدم ازدواج در بین زنان شهرهای بزرگ چین سهیم است. در این‌میان، عوامل جمعیتی جای دارد که با ویژگی‌های خاص فرهنگی شکل‌دهنده بازار ازدواج، سطح افزایش‌یافته تحصیلات و فرصت‌های شغلی، اقتصاد بازار رقابتی که نیازمند کار طولانی افراد جوان است، تأکید بر عشق و علاقه به‌منزله پایه و اساس ازدواج، پذیرش رو به افزایش رابطه جنسی قبل از ازدواج و زندگی اشتراکی، هزینه‌های رو به افزایش مربوط به ازدواج (نظیر تهیه مسکن، مراسم)، لذت‌بردن از زندگی مجردی و شک و تردید درباره ازدواج ترکیب شده‌است. درعین‌حال، هر زن حکایت شخصی منحصربه‌فرد مجردی خودش را دارد. محقق مشخص می‌کند که چگونه بعضی از این عوامل در روایت‌ها و تجربیات شخصی زنان از خودشان منعکس شده‌است. او پیرامون مسائلی که از چگونگی زندگی این زنان ناشی شده بحث می‌کند؛ ضمن اینکه محقق، راه‌های ثانویه و جایگزین نگاه به این مسائل را پیشنهاد می‌دهد. درکل، نویسنده توجه داشته که چگونه جنسیت بر انتخاب‌ها و تصمیمات ازدواج این زنان تأثیر می‌گذارد.

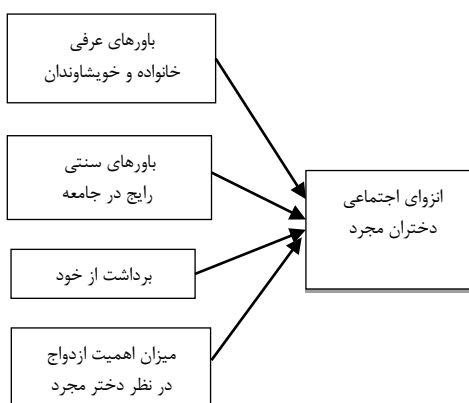
اما، در نتایج تحقیقات داخلی، با توجه اهمیت فرهنگی و عرفی سن ازدواج در جامعه ایرانی، مسئله انزوای اجتماعی و مشکلات ناشی از آن، به‌خصوص در بین دختران مجرد بالای ۲۵ سال، مشهودتر است. این درحالی است که تحقیقات خارجی، اهمیت زیادی به ازدواج یا دیرکرد ازدواج دختران نمی‌دهند، چراکه در جامعه آنان، دختران قادرند روابط بازتر و آزادانه‌تری را با گروه دوستان و آشنایان در هر سنی تجربه کنند و فارغ از قید ازدواج، نیازهای غریزی و روحی خویش را برآورده سازند؛ ضمن اینکه با یافتن شغل و درآمد مناسب، می‌توانند در زمینه

بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن

اقتصادی نیز به استقلال دست یابند. در ایران مسئله نگرانی از مجرد طولانی مدت دختران هنگامی شدت می گیرد که به مسائل عرفی و فرهنگی مناطق مختلف کشور موشکافانه تر نگاهی انداخته شود و فهمیده شود که چقدر سنت و عرف در سوق دادن دختران مجرد پس از گذشتن از سن عرفی معین، به سوی انزوا و حالات جسمی- روحی بیمارگونه نقش بازی می کند.

الگوی نظری

مطابق نظریات پیش گفته در چارچوب نظری، الگوی نظری این پژوهش به قرار ذیل است:



نمودار ۱. الگوی نظری پژوهش

یافته‌ها و آزمون فرضیات

آزمون فرضیه اول:

جدول ۲. نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه نوع برداشت از خود و انزوای اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
نوع برداشت از خود	-۰/۴۵۰	۰/۰
انزوای اجتماعی		

همان گونه که در جدول ملاحظه می شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر $-0/450$ و سطح معنی داری برابر $0/0$ شده است. از آنجاکه سطح معنی داری آزمون کمتر از $0/05$ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان متغیرها و معنی دار نبودن آن رد می شود و با توجه به منفی بودن ضریب مشخص می شود که هرچه برداشت از خود مثبت تر باشد، احساس انزوای اجتماعی کمتر است. بنابراین، طبق این فرضیه، می توان گفت رابطه معنی داری میان دو متغیر نوع برداشت از خود و انزوای اجتماعی وجود دارد و هرچه فرد تصور بهتری درباره ویژگی های شخصی و موقعیت های کلی خود داشته باشد، احتمال انزوای اجتماعی او کمتر است و برعکس، اگر نوع تصور او از خود منفی باشد، این احتمال افزایش می یابد.

آزمون فرضیه دوم:

جدول ۳. نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه باورهای سنتی خانواده و خویشاوندان، دختران مجرد و انزوای اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
باورهای سنتی خانواده و خویشاوندان	-۰/۰۲۶۲	۰/۰۰۲
انزوای اجتماعی		

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر $-0/0262$ و سطح معنی‌داری برابر $0/002$ شده‌است. از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون کمتر از $0/05$ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان متغیرها و معنی‌دار نبودن آن رد می‌شود و با توجه به منفی بودن ضریب مشخص می‌شود که هرچه باورهای سنتی خانواده و خویشاوندان دختران مجرد دربارهٔ مجرد دختران منعطف‌تر باشد، احساس انزوای اجتماعی کمتر است. بنابراین، فرضیه دوم، مبنی بر وجود رابطه بین تصورات عرفی خانواده و خویشاوندان دختران مجرد دربارهٔ مجرد دختران و انزوای اجتماعی، تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم:

جدول ۴. نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه باورهای عرفی رایج در جامعهٔ یزد درباب مجرد و انزوای اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
باورهای عرفی رایج در جامعهٔ یزد	-۰/۲۷۶	۰/۰۰۱
انزوای اجتماعی		

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر $-0/276$ و سطح معنی‌داری برابر $0/001$ شده‌است. از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون کمتر از $0/05$ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان متغیرها و معنی‌دار نبودن آن رد می‌شود و با توجه به منفی بودن ضریب، مشخص می‌شود، هرچه باورهای عرفی رایج در جامعهٔ یزد درباب مجرد منعطف‌تر باشد، احساس انزوای اجتماعی کمتر است. بنابراین، فرضیه سوم، مبنی بر وجود رابطه بین باورهای سنتی رایج در جامعهٔ یزد درباب مجرد و میزان انزوای اجتماعی دختران مجرد، تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم:

جدول ۵. نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه اهمیت ازدواج در بین دختران مجرد یزد و انزوای اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اهمیت ازدواج در بین دختران مجرد یزد	۰/۱۷۲	۰/۰۴۳
انزوای اجتماعی		

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی پیرسون برابر $0/172$ و سطح معنی‌داری برابر $0/043$ شده‌است. از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون کمتر از $0/05$ شده، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رابطه میان متغیرها و معنی‌دار نبودن آن رد می‌شود. با توجه به

بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن

مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هر چه اهمیت ازدواج در نظر دختران مجرد بیشتر باشد، احساس انزوای اجتماعی بیشتر است. بنابراین، فرضیه چهارم، مبنی بر وجود رابطه بین اهمیت ازدواج در بین دختران مجرد یزد و انزوای اجتماعی، تأیید می‌شود.

سنجش میزان انزوای اجتماعی:

جدول ۶ آماره‌های توصیفی سازه انزوای اجتماعی و ابعاد آن را، به عنوان متغیر وابسته تحقیق، نشان می‌دهد:

جدول ۶. آماره‌های توصیفی سازه انزوای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
تنهایی	۱۶/۸۹	۲۴	۱۱	۳/۱۲۷
عجز	۱۰/۰۱	۱۵	۶	۲/۱۱۴
تحمل	۱۸/۳۷	۲۵	۱۰	۴/۴۵۶
یأس	۱۷/۸۱	۲۵	۱۱	۲/۸۳۰
انزوای اجتماعی	۶۳/۰۹	۸۷	۴۴	۸/۵۱۸

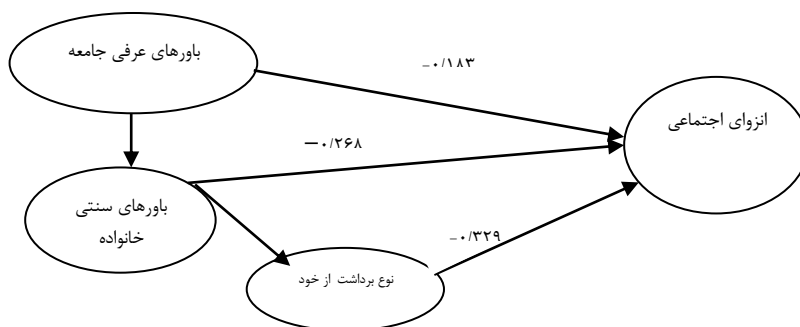
برای سنجش میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان، بیست گویه در پرسش‌نامه گنجانده شد. بدین ترتیب، حداقل و حداکثر امتیاز به لحاظ نظری ۲۰ و ۱۰۰ و متوسط نظری نیز ۶۰ بوده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشخص است، میانگین انزوای اجتماعی پاسخگویان (۶۳/۰۹) از متوسط بالاتر است. در جمع‌بندی آزمون‌های مطرح‌شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را بررسی می‌کنیم.

جدول ۷. رگرسیون تأثیر متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	T	سطح معنی‌داری
	B	خطای معیار			
نوع برداشت از خود	-۰/۵۱۶	۰/۱۲۱	-۰/۳۲۹	-۴/۲۷۲	۰/۰
حمایت اجتماعی	-۰/۲۴۷	۰/۷۲	-۰/۲۶۸	-۳/۴۴۵	۰/۱
باورهای سنتی	-۰/۴۳۶	۰/۱۷۴	-۰/۱۸۳	-۲/۵۰۶	۰/۱۳

براساس اطلاعات جدول ۷، متغیر نوع برداشت از خود در بین متغیرهای مستقل بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد.

تحلیل مسیر



نمودار ۲. الگوی تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با میزان انزوای اجتماعی

نمودار ۲ رابطه بین متغیرهای مختلف را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات نمودار مزبور، نوع برداشت از خود بیشترین تأثیر مستقیم را بر میزان انزوای اجتماعی دختران مجرد دارد. از مجموع متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون، سه متغیر مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقی‌مانده در رگرسیون، باورهای سنتی خانواده، باورهای عرفی جامعه، و نوع برداشت از خود - در مجموع - بیشترین تأثیر را بر میزان انزوای اجتماعی داشته‌اند.

جدول ۸. تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر میزان انزوای اجتماعی

متغیرهای مستقل	نوع اثر	
	مستقیم ^۱	غیرمستقیم ^۲
باورهای عرفی جامعه	-۰/۱۸۳	-۰/۳۶
نوع برداشت از خود	-۰/۳۲۹	-
نوع تصورات سنتی خانواده و خویشاوندان	-۰/۲۶۸	۰/۱۲۲
ضریب همبستگی چندگانه ^۴	ضریب تعیین ^۵	ضریب تعیین تعدیل‌شده ^۶
۰/۵۵۹	۰/۳۱۳	۰/۲۹۸

با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل، می‌توان ۲۹/۸ درصد از واریانس میزان انزوای اجتماعی را توضیح داد. باقی‌مانده تغییرات متغیر وابسته، به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن متغیر وابسته تحقیق، یعنی میزان انزوای اجتماعی و همچنین به حساب‌نیا آمدن برخی متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان ۲۹/۸ درصد از واریانس میزان انزوای اجتماعی را توضیح داد. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان ۲۹/۸ درصد از واریانس میزان انزوای اجتماعی را توضیح داد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که بین باورهای عرفی رایج در جامعه و میزان انزوای اجتماعی دختران مجرد رابطه وجود دارد. جهت سنجش صحت این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شد و چنین به دست آمد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. پس، می‌توان چنین برداشت کرد که طبق نظریه امر مقدس دورکیم (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۱)، چون پدیده‌ای اجتماعی به نام تجرد، در سنین مشخصی و در فرهنگ عرفی جامعه یزد تابو محسوب می‌شود، ازدواج مقدس و تجرد نامقدس به‌شمار می‌آید و فرد مجرد در همان محدوده سنی،

¹ Indirect effect

² Total effect

³ Direct effect

⁴ Multiple R

⁵ R Square

⁶ Adjusted R Square

فردی تابوشکن دیده می‌شود که، از عرف رایج در جامعه خود فاصله گرفته‌است و هدف سرزنش جامعه قرار خواهد گرفت که پیامد آن، انزوا و کناره‌گیری از جامعه است.

از طرفی، طبق نظریه انزوای اجتماعی جنس مؤنث لاینرمن (اسپیرا و ریچاردز، ۲۰۰۳) چون تأثیرپذیری جنس مؤنث از انزوای اجتماعی بیش از جنس مذکر است، جنس مؤنث این انزوا را شکست تلقی می‌کند و بیش‌ازپیش دچار انزوا می‌شود.

طبق فرضیه دوم، بین تصورات سنتی رایج در خانواده‌ها و میزان انزوای اجتماعی دختران مجرد رابطه وجود دارد. جهت سنجش درستی این فرضیه، از آزمون پیرسون استفاده شد و نتایج حاکی از این بود که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه باورهای سنتی رایج در خانواده‌ها، درباب تجرد دختران، منعطف‌تر باشد، احساس انزوا کمتر خواهد بود. بنابراین، می‌توان برداشت کرد که طبق نظریه انزوای اجتماعی جنس مؤنث لاینرمن، محیط روانی خانواده و خویشاوندان و نزدیکان نیز مانند محیط جامعه می‌تواند کنترل‌کننده میزان انزوای اجتماعی در افراد باشد (همان).

طبق سومین فرضیه، بین نوع برداشت از خود در دختران مجرد و میزان انزوای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. جهت آزمون این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شده‌است. نتایج حاکی از این بوده است که بین این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد و هرچه فرد تصور بهتری درباره ویژگی‌های شخصی و موقعیت‌های کلی خود داشته باشد، احتمال انزوای اجتماعی در او کمتر است و برعکس، اگر نوع تصور او از خود، منفی باشد، این احتمال افزایش می‌یابد. این نتیجه مؤید نظریات ماشیلز و گیلیگان درباب تأثیر ذهنیت افراد درباره موقعیت و ویژگی‌های خود در انزوای اجتماعی آنان است. گیلیگان معتقد است امکان دارد زنان بیش از مردان در مقابل انزوا آسیب‌پذیر باشند؛ زیرا دختران شیوه‌ای از تفکر را درباره جهان در خود بسط و گسترش می‌دهند که به رابطه‌داشتن با دیگران بستگی دارد؛ بنابراین، زنان احساس می‌کنند انزوا شکست است. درمقابل، مردان برای استقلال ارزش قائل‌اند و اعتقاد دارند که نیاز به دیگری برای کاهش انزوا صفتی زنانه است؛ بنابراین، ممکن است، درمقایسه با زنان مجرد، مردان مجرد با مسائل و دغدغه‌های کمتری مواجه باشند (همان).

فرضیه چهارم بیان می‌کند که بین میزان اهمیت ازدواج در نظر دختران مجرد و میزان انزوای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون، این رابطه، معنی‌دار است. با توجه به مثبت‌بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه تصور دختران مجرد از مقوله ازدواج بهتر باشد، احساس انزوای اجتماعی بیشتر است. این بدان‌معناست که طبق نظریات ماشیلز و گیلیگان، نوع تصور ذهنی دختران مجرد از میزان اهمیت ازدواج، بر میزان انزوای اجتماعی آنان اثر می‌گذارد (همان). همچنین، می‌توان گفت درست است که هم در

حوزه انزوای اجتماعی و هم در حوزه ازدواج جوانان، تحقیقاتی کلی انجام گرفته است، با اینکه تمام این تحقیقات، علل تأخیر در ازدواج جوانان (به خصوص دختران) را بررسی کرده اند، هیچ یک از آنها آسیب های مجرد قطعی را به گونه ای برجسته و واضح نشان نداده اند؛ این در حالی است که آسیب های مجرد قطعی و پیامدهای آن به مراتب مهم تر و برجسته تر از عوامل ایجادکننده آن هستند. مجرد قطعی پیامدهای مثبت و منفی ای در سه سطح فرد، خانواده و جامعه دارد. پیشرفت در امور کاری و تحصیلی، استقلال و آزادی، احساس تنهایی و انزوا، سرخوردگی، احساس پوچی، فساد اخلاقی و نداشتن تجربه مادری، از پیامدهای فردی هستند. در سطح خانواده، اگر دختر شاغل باشد، به نفع خانواده است. دختری که ازدواج نکند، نیرویی است که فقط به کار خود می رسد و درگیر خانواده نیست که این اتفاق به ویژه برای بخش خصوصی مثبت تر است. پیش گیری از تبعات طلاق در جامعه، کاهش موالید و پایین آمدن میزان فرزندآوری، جامعه بی روح، بی احساس و بی هدف، از بین رفتن قداست خانواده و ازدواج سفید از پیامدهای مجرد قطعی در جامعه است. ضمناً باید در نظر داشت که در جامعه یزد، به دلیل ریشه دار بودن فرهنگ مذهبی و تأکید خاصی که بر ازدواج به موقع جوانان - به ویژه دختران - در بین مردم وجود دارد، دختران بالای ۳۰ سال با مشکلات تعاملی خاصی مواجه خواهند شد که از پیامدهای مخرب و آزاردهنده این مسئله، افسردگی و انزوای اجتماعی آنهاست. از طرفی، عواملی همچون داشتن برداشت منفی از خود و اهمیت زیاد ازدواج در نظر آنها، می تواند تشدیدکننده این موضوع باشد.

در کل، با توجه نتایج تحقیق حاضر و نتایج تحقیقات پیشین و از زاویه دید جامعه شناختی، می توان گفت درست است که در فرهنگ بومی و اسلامی ما ایرانیان، تشکیل خانواده و ازدواج به موقع ستودنی است با همه این تفاسیر، این حقیقت را نیز نباید دور از نظر قرار داد که موانع ازدواج جوانان حقیقتاً بزرگ هستند که قطعاً فرایند مبارزه با این موانع نیاز به زمان و تفکر و تأمل بیشتری خواهد داشت و در واقع، با تعجیل در امر ازدواج، حتی ممکن است مشکلی بر مشکلات جوانان امروزی افزوده شود. بنابراین، پیشنهاد محقق به پژوهشگران علوم اجتماعی و تربیتی این است که برای انجام طرح هایی - هم در سطح کمی و هم در سطح کیفی - در باب راهکارهای مؤثر و سریع جهت زدودن موانع ازدواج جوانان اقدام کنند تا از این طریق مسئولان امر بتوانند در جهت برطرف کردن موانع ازدواج جوانان گام های مؤثرتری بردارند.

منابع

ابراهیمی مقدمیان، محمود (۱۳۸۸) بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان در شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر آن

- ایزدی، زینب (۱۳۹۲) «پژوهشی کیفی دربارهٔ تجرد قطعی و سبک تنهایی زنان (تجرد قطعی و احساس تنهایی)»، *روزنامهٔ شرق*، شمارهٔ ۱۴: ۲۰-۲۵.
- ایمانی، محسن (۱۳۷۴) «رابطهٔ سن بالا و ازدواج»، *نشریهٔ تربیت*، شماره: ۱۰۰: ۶۰-۶۶.
- جوشنلو، محسن و غلامحسین قاندى (۱۳۸۷) «بررسی مجدد پایایی و اعتبار مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران، دومانهٔ علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شمارهٔ ۳۱: ۴۹-۵۶.
- چلبی، مسعود و مهدی امیرکافی (۱۳۸۳) «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۲: ۳۱-۳.
- حبیب‌پور، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، *مجلهٔ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دورهٔ نهم، شمارهٔ ۳۴: ۱-۷.
- حسین‌زاده، مجید (۱۳۹۳) «تجرد قطعی؛ از دلایل فردی و اجتماعی تا آسیب‌های روانی»، *روزنامهٔ خراسان صبح ایران*، شمارهٔ ۱۸۶۹: ۴.
- حسینی، سیدحسن، مجید فولادیان و زینب فاطمی‌امین (۱۳۸۷) «سنجش و مقایسهٔ میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبهٔ جامعه در دوران سازندگی و اصلاحات»، *مجلهٔ علوم اجتماعی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شمارهٔ ۱۱: ۱۶۱-۱۸۹.
- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»، *مجلهٔ مطالعات توسعهٔ اجتماعی ایران*، شمارهٔ ۴: ۱۴۰-۱۸۰.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳) «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد»، *دوفصلنامهٔ توسعهٔ روستایی*، شمارهٔ ۱۰: ۱۲۳-۱۴۶.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶) «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی»، *پژوهشنامهٔ علوم انسانی*، شمارهٔ ۵۳: ۱۳۹-۱۵۱.
- محسنی، منوچهر، بهزاد دوران و محمدهادی سهرابی (۱۳۸۵) «بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کافی‌نت‌های تهران)»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۴: ۱۰-۱۵.
- مرادی، گلمراد و مهرداد زمانی (۱۳۹۳) «بررسی نقش هراس اجتماعی در انزوای اجتماعی زنان روستایی، مورد مطالعه روستاهای دالاهو»، *مجلهٔ پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال سوم، شمارهٔ ۱: ۹۵-۱۱۵.

معمار، ثریا و بهجت یزدخواستی (۱۳۹۴) «تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲: ۱۴۹-۱۷۲.
نجفی‌مهر، حامد (۱۳۹۲) «پنج آسیب مجرد قطعی دختران در جامعه»، روزنامه وطن امروز، شماره ۱۲۶۰: ۴.

نیک‌منش، زهرا و یحیی کاظمی (۱۳۸۵) «علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج دختران»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره ۳۸۶: ۵-۳۷۵.
یعقوبی‌دوست، محمود (۱۳۹۲) «بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان نوجوان»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۲: ۲۵۰-۲۲۵.

Durkheim, E. : (1893) *The Division of Labour in Society*, Lodon.

Frahm-Arp, Maria (2012) *Singleness, Sexuality, and the Dream of Marriage*, *Journal of Religion in Africa*, No. 1: 177-204.

Gaetano, Arianne (2009) "Unmarried Crisis": Gender Resilience and Gender Transformation, Centre for East and South-east Asian Studies Lund University, Sweden, Working Paper, No. 31: 171-172.

Hortulatus & Machielse & Ludwien (2003) *Social Isolation in Modern Society*, Routledge Publisher London.

Spira & Kramer Richards (2003) on Being Lonely, Socially Isolated and Single: a Multi-perspective Approach, *Psychoanalysis & Psychotherapy Journal*, 20(1): 70-75.

Vandervoort, Debra (2000) "Social Isolation and Gender, *Current Psychology: Developmental*", *Learning Personality*, 19(3): 229-236.